جلد اول

سازهای اصیل ایرانی

به قلم
سجاد فرهادی

www.takbook.com

به نام آنکه می داند

به نام آنکه می خواند

به نام آنکه نخوانده می داند

به نام آنکه برگ برگ دلمان را می نویسد

به نام خدایی که در این نزدیکیست ....

برگ سبزی است پیشکش حضور تمام علاقه مندان به موسیقی

تقدیم میکنم به روح بزرگ بابک بیات ، پرویز مشکاتیان و تمامی سردمداران لوای موسیقی ایران

و هدیه می کنم به

خانواده ام

و

سرمشق تمام خوشی های زندگی ام

همسرم

www.takbook.com

سخن نویسنده

مویسقی عضو قدیمی خانواده هر ایرانی و بهتراست بگویم خانواده هر فرد در جهان است . عضوی که جدا شدنی نیست . عضوی که هم در شادی ها و هم در غصه ها خود را شریک حال و هوایمان می کند و با زبانی مهربان التیام می بخشد بر زخم های ما .

کمتر کسی در جهان امروز هست که موسیقی را در خانه و خانواده خود نپذیرفته باشد . کمتر جوانی را می بینید که هدفون به گوش نزده باشد برای شنیدن موسیقی و کمتر خانه ای را دیده اید که روزانه حداقل یکبار طنین موسیقی در آن جاری نباشد .

حتی مردمان دور دست که فقط خودشان هستند و خدایشان هم موسیقی را باور دارند . آنها گوش به صدای باران ، صدای باد و چشمه می دهند . سازشان خش خش شاخه های درختان و آوازشان صدای پرندگان .

با توجه به گسترش موسیقی در میان جوانان بر آن شدیم تا معرفی باشیم برای آشنایی فرزندان ایران زمین با موسیقی . خوشبختانه کتب مختلفی در مورد موسیقی و آموزش آن نگارش و تالیف شده است در این راستا قلم به دست گرفتیم تادرکنار استاتید این هنر خدادادی ما هم خورده نوشته ای را جهت آشنایی جوانان موسیقی دوست با ابزار موسیقی به نگارش در آوریم .

این کتاب با نام " ساز های اصیل ایرانی " در پی معرفی سازهایی است که خواستگاه ایرانی دارند است و در دو جلد نگارش می شود . امید می رود که این کتاب بتواند آنچه را شایسته موسیقی و درک شما از موسیقی ست را ادا کند .

با تشکر

سجاد فرهادی

www.takbook.com

تابستان ۱۳۹۱

پیشگفتار

صدای وزش باد ، برخورد برگ درختان با یکدیگر ، آوای پرندگان ، صدای موج دریا ،آبشار و . . . اولین نوای موسیقی بود که انسان قبل از تاریخ - قبل از داشتن خط و زبان- شناخت . او با تقلید از طبیعت به وسیله حنجره خود درحین کار، بار دیگر ارتباطش را با طبیعت تکرار می کرد . با دمیدن درشاخ یا استخوان تو خالی حیوانات ، تنه پوک و توخالی درختان یا صدف موجودات دریایی ، اصوات قوی تری ایجاد کرد که برای اعلام خطر ، ایجاد ارتباط و خبر رسانی یا برانگیختن ترس در دل دشمن و حیوانات وسیله مناسبی بود . بوقها (سازهای بادی) شاید اولین سازهای ابداعی انسان بود . با ضربه زدن بر تنه توخالی درختان (سازهای کوبه ای) و کشیدن پوست حیوانات بر روی آن (سازهای کوبه ای پوستی) یا به ارتعاش در آوردن زه کمان و بعدها استفاده از کدوی خشک یا پوست نارگیل در قسمت انتهایی کمان جهت پایداری و تشدید صوت حاصله (سازهای زهی) ، اصواتی پدید می آمد . این اصوات در رزم ، مراسم آئینی و بزم بشر نخستین جایگاه ویژه ای پیدا کرد و به سرعت مراحل تکامل خود را طی کرد .

نقوش موجود بر روی سفالهای پیش از تاریخ در مناطق مختلف ایران مانند تپه سیلک کاشان ، چشمه علی شهر ری و اسماعیل آباد قزوین و . . . گویای وجود مراسم آئینی است که درآنها نقش ساز نیز دیده می شود . تصویر مهر چغامیش (مربوط به ۳۴۰۰ سال ق.م) بیانگر رواج چنگ درایران است . ظاهرا " این ساز پایه و الگوی اولیه ای برای دیگر سازهای زهی بوده است . البته اسناد موجود حاکی است که مصریان اولین ملتی بوده اند که چنگ داشته اند

در تصاویر بجای مانده در حجاریها ، ظروف و . . . هخامنشی و ساسانی اهمیت موسیقی و موسیقیدانها و نیز وجود موسیقی مذهبی ، رزمی و بزمی به وضوح مشهود است . در این دوره سازهای کرنای ، رباب (غژک) ، بربط ، تنبور ، چنگ ، بوق ، سرنا ، شیپور ، نای ، ارغنون ، دف ، چغانه و قاشقک رایج بوده است و خنیاگران (نوازنده ها) به طبقه سوم جامعه تعلق داشته اند . از مشاهده مجسمه های کوچک بدست آمده از شوش با نام نوازندگان ،

www.takbook.com

فرم سازها ، نحوه بدست گرفتن و جزئیات آنها می توان آشنا شد . بدیهی است سازها به مرور و طی مراحل

مختلف تکامل یافته اند و بسته به کاربرد آنها (سازهای رزمی ، مذهبی ، بزمی یا گونه ها یمحلی) در دوره های مختلف تاریخی ، نشیب و فرازهای گوناگونی را طی کرده اند .

حدفاصل دوره ساسانی تا صفویه تحول چندانی در ساخت سازها به چشم نمی خورد . از دوره صفویه به بعد نیز شواهدی که دال بر وجود انواع سازها و سیرتکاملی برخی از آنها است منحصر به وجود نقش برخی سازها در دیوار نگاره ها و مینیاتورها می باشد .

در زمان ناصرالدینشاه قاجار با تأسیس دارالصنایع واقع در جنوب شرقی سبزه میدان تهران و با گردهم آمدن گروهی هنرمندان در فنون و رشته های مختلف هنری ، هنرمندان ساز ساز چون استاد فرج اله ، حاج طاهر ، خاچیک ، هامبارسون ، یحیی و سید جمال حضور داشته اند .

از آنجا که موسیقی به عنوان یکی از ارکان مراسم ، جشنها و آئین مختلف ، درفرهنگ بومی ، مذهبی و ملی این سرزمین جایگاه ویژه ای داشته ، ساخت سازهای ایرانی نیز همواره از مراتب خاصی برخوردار بوده است و حضور هنرمندانی کمال گرا و مبتکر در ساخت سازهای ایرانی به خوبی مشهود است .

انواع ساز

ســـاز های ایرانی از حیث جنس به سه گروه : - فلزی - سفالی - چوبی

از لحاظ نوع وشکل تولیدصوت به سه گروه :

- سازهای زهی مانند : تار، دوتار، سه تار، عود ، تنبور ، بربط ،رباب ، قانون (زخمه ای) ،کمانچه، سرود (آرشه ای) ، سنتور(زهی – کوبشی)

- سازهای بادی : فلوت ، نی ، قره نی ، نی انبان ، کرنا ، با لابان ، دوزله ، سرنا ، نفیر، دونیه ، شمشال

- سازهای ضربی : دایره ، دهل ، تنبک ، نقاره ، سنج ، طاس ، دف

www.takbook.com

طبقه بندی شده اند . صدای حاصل از یک ساز به جنس و شکل ساختمان آن و طبعا " به ساخت صحیح و دقیق آن بستگی دارد .

سازهای فلزی که معمولا " از جنس برنج یا مس هستند ، به طریق "ریخته گری یا چکش کاری " ساخته می شوند .

سازهای سفالی ، همانطور که از نام آن پیداست از جنس سفال (گل رس پخته شده) می باشد . برخی تنبک ها و سازهای بومی مانند طاس های پوستی و فاقد پوست ازسفال ساخته می شوند .

سازهای چوبی به طریق "تراش و برش" ساخته می شوند . این گروه از سازها بیشترین و متنوع ترین سازها را درخود جای می دهد و آنجا که سخن از نواختن یا ساختن سازهای ایرانی است بیشتر این سازها در ذهن تداعی می گردد . اکثریت سازهای زهی و برخی سازهای ضربه ای به این روش ساخته می شوند .

www.takbook.com

سنتور

پیشینه و معرفی

ابوالحسن علی بن حسین مسعودی (متوفی به سال ۳۴۶ ه.ق) مورخ مشهور و نویسنده کتاب مروج الذهب در شرح اوضاع موسیقی زمان ساسانیان، هنگام نام بردن از سازهای متداول موسیقی آن زمان، واژه سنتور را با املای سنطور ذکر می کند. در دیگر متون تاریخی از جمله اشعار منوچهری شاعر قرن پنجم، نامی از سنتور به میان آمده است. گر چه عبدالقادر مراغه ای در نوشته هایش سازی شبیه سنتور به نام یاطوفان معرفی می کند. ولی سازی که به شکل امروزی می شناسیم تا پیش از دوره قاجاریه، نشانی از آن در دست نیست. اما سازی مشابه آن در گذشته های دور با نام قانون در فلات ایران رواج داشته که فارابی در کتاب موسیقی الکبیر، نمونه ای از تصویر آن را آورده است. در نقاشی های عمارت چهلستون اصفهان، نوازنده قانون هم دیده می شود.

سنتور سازی است که با دو مضراب چوبی نواخته می شود و شباهت اش به ساز قانون تنها در شکل ظاهری اش می تواند جستجو شود. این ساز تا اواسط حکومت صفویه دست کم در موسیقی رسمی و شهری آن روزگار وجود نداشت. اما در مینیاتورهای بعدی نشانی از سنتور دیده می شود.

سنتور که غالب مورخین خاستگاه اصلی آن را ایران می دانند، هم اینک با اندک تفاوتی در شکل ظاهری و با نام های مختلف در شرق و غرب جهان رواج دارد. این ساز در کشور چین با نام یان کین yangqin ، در اروپای شرقی دالسی مر dulcimer و در کشورهایی نظیر انگلستان، آلمان، اتریش، هندوستان، کامبوج و آمریکا با نام های گوناگون رواج دارد. علاوه بر این درعراق، ترکیه، سوریه، مصر، پاکستان، هند، تاجیکستان، ارمنستان، گرجستان، ویتنام، کره، اوکراین و دیگر کشورهای آسیای میانه و یونان نیز نواخته می شود.

www.takbook.com

نمونه ۱: نوازنده ساز قانون در دربار شاه عباس صفوی

نمونه ۲: مینیاتوری که نوازنده سنتور را نشان می دهد

ساختمان ساز

سنتور سازی است ذوزنقه ای شکل که بلندترین ضلع در سنتورهای معمولی (ضلع نزدیک به نوازنده)، ۹۰ سانتی متر، کوچکترین ضلع (ضلع دور از نوازنده)، ۳۵ سانتی متر، اضلاع کناری اش که به صورت مورب هستند، ۳۸ سانتی متر و ارتفاع آن نیز ۶ تا ۱۰ سانتی متر است.

سنتور معمولاً از چوب درخت گردو، سرو، شمشاد، توت، شاه توت، توت سیاه، آزاد و فوفل ساخته می شود که بهترین چوب برای صدا دهی مطلوب و مورد پسند حرفه ای ها، چوب گردو، فوفل و آزاد است. روی سطح سنتور دو حفره به شکل گل وجود دارد که علاوه بر زیبایی ظاهری، در کیفیت صدای سنتور نقش زیادی دارند.

سنتور ۷۲ رشته سیم دارد که از دو جنس اند. سیم های زرد (بم) از جنس برنج و سیم های سفید (زیر) از جنس فولاد هستند. تا اوایل قرن بیستم میلادی که سیم های فلزی رواج نداشت، سنتور نوازان از ابریشم تابیده، به عنوان سیم استفاده می کردند. سیم های سنتور به صورت چهارتایی بسته می شوند و هر چهار سیم یک صدا تولید می کنند و چنانچه یک یا چند سیم با هم کوک نباشند، صدای آزار دهنده ای از ساز شنیده می شود.

www.takbook.com

سیم ها روی پایه های کوچک چوبی که به آنها «خرک» گفته می شود، قرار می گیرند. در سنتورهای معمولی، دو ردیف خرک ۹ تایی (جمعا ۱۸خرک) وجود دارد که به «سنتورهای ۹ خرک» معروف اند. سنتورهای ۱۱ و ۱۲خرک نیز وجود دارند که البته زیاد معمول نیستند. خرک های سمت راست به کناره راست ساز نزدیکترند و خرکهای سمت چپ، کمی بیشتر با کناره چپ فاصله دارند. فاصله بین هر خرک ردیف چپ تا کناره چپ ساز را «پشت خرک» می گویند.

کوک کردن سنتور، با چرخاندن "گوشی ها" بوسیله آچار مخصوص انجام می شود. کوک کردن سنتور همانند پیانو بسیار وقت گیر است.

سنتور با دو چوب نازک به نام مضراب نواخته می شود. مضراب های سنتور در گذشته وزن بیشتری داشتند و بدون نمد استفاده می شدند. ولی در چند دهه اخیر، مضراب های سبک تر و ظریف تری ساخته شده اند که بر نوک آن ها، دو قطعه نمد کوچک می چسبانند. این کار باعث می شود کمی از طنین صدای ساز کم شود. ضمن این که سبکی مضراب ها، امکان اجرای قطعات پر سرعت را فراهم می کند. مضراب های قدیمی به خاطر ساختمان متفاوت شان، تحرک مضراب های جدید را ندارند ولی در عوض به خاطر وزن بیشتری که دارند، امکان اجرای برخی تزئینات موسیقی ایرانی را بهتر فراهم می کنند. بی نمد بودن این نوع مضراب ها به نوازنده اجازه می دهد با اشاره کوچکی به سیم های سنتور، یک جمله موسیقایی را به نحو مطلوبی تزئین کند. همچنین سنگین بودن مضراب باعث می شود تا نوازنده بتواند تک مضراب های پر قدرتی را اجرا کند که در مضراب های جدید عملاً ممکن نیست. در حال حاضر هر دو شیوه سنتور نوازی با مضراب لخت و نمد دار طرفداران خود را دارد.

سنتور ۹ خرک رایج ترین نوع سنتور است که سنتور سل کوک نامیده می شود و نت های ردیف موسیقی دستگاهی ایران براساس آن نوشته شده است. نوع دیگری از سنتور ۹ خرک با اندازه ای کوچکتر وجود دارد که صدای زیرتری دارد و به سنتور لا کوک معروف است. گستره صدای سنتور در حدود سه اکتاو است.

برخی نوازندگان امروزی، بم ترین سیم ساز را دو پرده پایین تر کوک می کنند که البته این کار با عث افزایش گستره صدادهی سنتور نمی شود. زیرا تعداد خرک های ساز تغییری نکرده و نوازنده با این کار عملاً

www.takbook.com

فقط یک نت را بر نت دیگر ترجیح داده است.

سنتور در مقایسه با سایر سازهای ایرانی محدودیت های زیادی دارد. یعنی این که همه دستگاه ها و آوازهای موسیقی ایرانی را با یک کوک نمی توان نواخت و لازم است برای اجرای یک یا چند دستگاه، کوک ساز تغییر کند. گاهی نوازنده مجبور می شود خرک ها را جلو و عقب ببرد تا کوک ساز تغییر کند و این خود باعث عدم توازن بین سیم های سفید و پشت خرک می شود. این کار معمولاً زمانی انجام می شود که فرصتی برای کوک کردن نیست و نوازنده می خواهد، تغییر دستگاه بدهد. به طور کلی کوک کردن سنتور یکی از سخت ترین کارهای نوازنده آن است. چنان که می گویند معادل نصف عمر تمرین سنتور نوازان به کوک کردن ساز می گذرد. چون ضربه های مداوم مضراب روی سیم ها و تاثیر گذاری رطوبت و حرارت روی چوب و سیم ها، کوک ساز را به هم می زند و ۷۲ سیم باید مرتب بررسی شوند که آیا کوک هستند یا نه. از این رو سنتور سازی است که در عین زیبایی، بسیاری از عوارض طبیعی می تواند روی صدا و کوک آن تاثیر بگذارد و حتی نوازنده های باتجربه را برای یک کوک دلخواه ناکام بگذارد. در این خصوص نقل شده است که حبیب سماعی نوازنده سرشناس سنتور روزی در مجلسی گفته: "کوک سنتور مرا پیر کرده است".

نمونه ۱: شکل ظاهری و ابعاد سنتور

www.takbook.com

نمونه ۲: روی صفحه سنتور دو عدد گل وجود دارد

نمونه ۳: نمایی نزدیک از گل سنتور

نمونه ۴: سیم های زرد و سفید سنتور

www.takbook.com

نمونه ۵: نمایی از خرک سنتور

نمونه ۶: آچار کوک سنتور

نمونه ۷: نحوه قرار گرفتن آچار بر روی گوشی

www.takbook.com

نمونه ۸: با چرخاندن گوشی، سیم کوک می شود

نمونه ۹: مقایسه اندازه و شکل مضراب قدیم و جدید

نمونه ۱۰: مضراب های جدید که با نمد پوشیده شده اند

www.takbook.com

نمونه ۱۱: گستره صدایی معمول سنتور

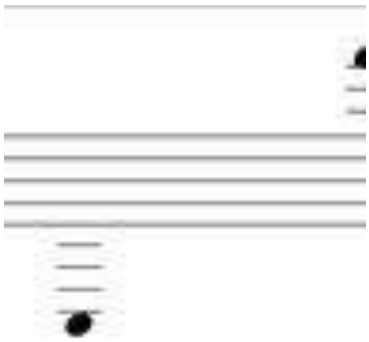

نمونه ۱۲: گستره صدایی سنتور با کوک جدید

نوازندگان و شیوه های نوازندگی

در ایران نخستین نمونه صوتی از ساز سنتور متعلق به محمدصادق خان نوازنده دوره قاجار است. پس از وی صدای ساز نوازندگانی چون حسن خان، علی اکبر شاهی و حبیب سماعی به ضبط رسید.

از دیگر نوازندگان سنتور می توان به نام ابوالحسن صبا اشاره کرد که سرشاخه جریان نوگرایی در این ساز محسوب می شود. متأسفانه از وی هیچ نمونه صوتی در دست نیست. ولی سبک و سیاق نوازندگی او را تا حدی می توان در کار شاگردان و پیروانش جست و جو کرد. حسین ملک، فرامرز پایور، داریوش ثقفی و رضا

www.takbook.com

شفیعیان دنباله رو سبک صبا هستند. همچنین می توان از سعید ثابت شاگرد فرامرز پایور نام برد.

برخی نوازندگان سنتور مانند منصور صارمی، رضا ورزنده و مجید نجاهی نیز سبکی شخصی در پیش گرفتند و صداهای متفاوتی از این ساز استخراج کردند که پیش از ایشان شنیده نشده بود.

سنتور در دروه جدید با تجربه های متفاوت نوازندگی همراه شد که یک پای آن ها در سنت بود و پای دیگر در نوآوری های متناسب با آن. از سردمداران این جریان می توان به نام های پرویز مشکاتیان و پشنگ کامکار اشاره کرد.

از سویی دیگر جریان اصالت گرا با محوریت مجید کیانی شکل گرفت که سعی دارد شیوه سنتور نوازی قدما از جمله حبیب سماعی را احیا کند. در شیوه قدیمی سنتور نوازی، نوازنده بر روی زمین می نشیند و سنتور نیز با ارتفاع کمی از سطح زمین روبروی نوازنده قرار دارد ولی در شیوه جدید، نوازنده هم خود روی صندلی می نشیند و هم سنتورش را روی میزی قرار می دهد تا بتواند بر آن مسلط باشد. علاوه بر این نوازندگی به شیوه قدما همواره با مضراب های بدون نمد انجام می گیرد.

سنتور در بین خانم ها بیشتر از سایر سازهای ایرانی طرفدار دارد. به همین دلیل نوازندگان مطرحی از بانوان نیز در حال حاضر به فعالیت مشغول اند که از میان شاخص ترین ایشان می توان از ارفع اطرایی، آذر هاشمی و سوسن اصلانی نام برد.

سنتور همانند سایر سازهای جهان، ویژگی های منحصر به فردی در نوازندگی دارد. همچنین برخی قابلیت های مشترک با سایر سازهای ایرانی را هم دارد. از تکنیک های قابل اجرا بر روی این ساز می توان به مضراب ریز، تک ریز، دراب، چنگانه (آرپژ)، تریل، زیر و بم نوازی همزمان و پاساژهای تند اشاره کرد. در سال های اخیر تعداد نوازندگان چیره دست سنتور افزایش چشمگیری یافته است. برای نمونه می توان به نام های هنرمندانی چون رضا شفیعیان، محمد جلیل عندلیبی، مسعود شناسا، علی تحریری، جواد بطحایی، جاوید افسری راد، حسین پرنیا، محمد جواد ضرابیان، بهناز ذاکری، بهنام مناهجی، پژمان آذرمینا، مسیح افقه، سیامک آقایی، علیرضا جواهری، مهدی ستایشگر، پژمان طاهری، ساسان رسولی، محمد آذری، مجید اخشابی، پویا سرایی، سامان ضرابی، امیر عباس ستایشگر، رضا مهدوی، آریا محافظ، روزبه رحیمی، بشیر

www.takbook.com

فرامرزی، نسترن هاشمی، علی بهرامی فرد، مازیار جلالی، مجید خسروی، بابک ربوخه، محسن عباس آبادی، محمد جواد بشارتی، امید مصطفی پور، بهمن بهمرام، رامین صفایی، وحید موسوی، احمد رضاخواه و ... اشاره کرد.

نمونه ۱: سنتور علی اکبر شاهی

نمونه ۲: سنتور حسن خان

نمونه ۳: حبیب سماعی

نمونه ۴: ابوالحسن صبا با لباس سنتی

www.takbook.com

نمونه ۵: حسین ملک با سنتوری متفاوت

نمونه ۶: داریوش ثقفی

نمونه ۷: سعید ثابت به همراه تمبک محمد اسماعیلی

نمونه ۸: منصور صارمی

نمونه ۹: مجید نجاهی

نمونه ۱۰: رضا ورزنده

www.takbook.com

نمونه ۱۱: ارفع اطرایی

نمونه ۱۲: آذر هاشمی

نمونه ۱۳: سوسن اصلانی

سازهای هم خانواده

ساز سنتور بدون تغییر کوک برای اجرای همه دستگاه های موسیقی ایرانی ضعف هایی دارد. به همین دلیل در سال ۱۳۴۰ خورشیدی (۱۹۶۱ میلادی) به پیشنهاد حسین دهلوی –آهنگساز- دو نوع سنتور یکی کروماتیک با افزایش ۷ خرک به ۹ خرک موجود و دیگری سنتور باس با صدای بم ساخته شد. سنتور کروماتیک از نظر اندازه کمی بزرگ تر از سنتور معمولی است و از آن جا که ۱۶ خرک دارد، کمی شلوغ تر از سنتور معمولی به نظر می رسد. ضمن این که سیم های این نوع سنتور به صورت سه تایی بسته می شوند و امتیازش آن است که نوازنده بدون تغییر کوک می تواند همه دستگاه های موسیقی ایرانی را بنوازد. در مقابل دو اشکال هم دارد. اول این که به علت افزایش تعداد خرک ها، نوازندگی آن دشوارتر از سنتور معمولی است و دیگر این که طنین سیم هایی که در یک دستگاه مورد نیاز نیستد، در همه لحظات شنیده می شود و این برای صدادهی خوب ساز، مفید نیست.

به همین دلیل سنتور کروماتیک غالباً در کار ارکستری و گروه نوازی استفاده می شود تا هارمونیک های مزاحم آن کمتر شنیده شود. در مجموع سنتور کروماتیک تا کنون ابتکار چندان موفقی در موسیقی ایرانی نبوده است. اما نوع دیگری با نام سنتور باس که در واقع همان سنتور معمولی با صدایی بم تر است، با استقبال بیشتری روبرو شد. گر چه استفاده از آن هم در موسیقی امروز خیلی پر رنگ نیست ولی کاربری آن

www.takbook.com

مانند سنتور کروماتیک دشوار نیست و گاهی در گروه نوازی های ایرانی و همچنین آثار ارکسترال استفاده می شود.

نمونه ۱: سنتور باس که اندازه ای تقریباً دو برابر سنتور معمولی دارد

تجربه های نوین

در کنار الگوهای سنتور نوازی با شیوه سنتی و شیوه های جدید برآمده از سنت موسیقی ایرانی، جریان دیگری از سنتور نوازی با تأثیرپذیری از موسیقی اروپایی توسط میلاد کیایی و اردوان کامکار شکل گرفت. در این شیوه، گام های مینور غربی مبنای کار قرار می گیرد و مجموعه صداهایی که از ساز استخراج می شود، هم رنگ و بوی شرقی و ایرانی دارند و هم حال و هوای موسیقی غربی.

نوشتن قطعه برای سنتور و ارکستر نیمه غربی- نیمه ایرانی و یا تمام غربی، از دیگر تجربه های نوین سنتور است. این الگو معمولاً شباهتی به کنسرتوهای غربی دارد ولی دقیقاً مثل آن نیست و بیشتر هم تک قسمتی و کوتاه ساخته می شود. در حالی که فرم کنسرتو معمولاً سه قسمتی است. از شاخص ترین نمونه های

www.takbook.com

سنتور و ارکستر می توان به تجربه مشترک پرویز مشکاتیان و کامبیز روشن روان اشاره کرد. ملودی ساخت مشکاتیان با تنظیم ویژه روشن روان در سال های اخیر به یک الگوی موفق و پر مخاطب تبدیل شده است.

دو نوازی و چند نوازی سنتور یکی دیگر از جریان های قرن اخیر موسیقی ایرانی است. نخستین بار در سال ۱۳۳۳ خورشیدی آهنگسازی به نام حسین دهلوی برای این ساز، یک دونوازی نوشت و در سال های اخیر نیز برخی نوازندگان جوان به نسخه هایی از سه، چهار و پنج نوازی سنتور روی آورده اند. تشکیل گروه سنتور نوازان به سرپرستی سیامک آقایی نمونه ای از این رویکرد است.

در تجربه جدید گروه نوازی سنتور، سازهای هم خانواده این ساز با نام سنتور آلتو و سنتور باس هم شرکت دارند. در نتیجه صدای متفاوتی از مجموعه این گونه نواختن پدید می آید که تا پیش از این شنیده نشده است. از جمله می توان به تقلید صدای سازهای مضرابی دسته دار نظیر دوتار، سه تار، تار و گیتار اشاره کرد.

نمونه ۱: میلاد کیایی

نمونه ۲: اردوان کامکار

نمونه ۳: کامبیز روشن روان

www.takbook.com

تار

پیشینه و معرفی

واژه "تار" در نوشته های موسیقی دانان قدیم ایران همچون صفی الدین ارموی، خواجه بهاءالدین، ابوالفرج اصفهانی و تنی چند از شاعران و نویسندگان دوران گذشته بسیار یاد شده است ولی معلوم نیست منظور ایشان همین سازی باشد که ما امروزه به نام تار می شناسیم. حتی دوبیتی شاعر معروف و شوریده ایران بابا طاهر همدانی که واژه تار در آن به کار رفته است نمی تواند رد پای درستی از این ساز به دست دهد:دلی دیدم چو مرغ پا شکسته چو کشتی، بر لب دریا نشسته همه گویند که طاهر تار بنواز صدا چون می دهد تار شکسته در گذشته سازهایی با عنوان چهار تار، پنج تار و شش تار بوده اند که این نام ها فقط تعیین کننده تعداد سیم یا تارهای آن سازهایند. بنابراین نمی توان به چنین عنوان هایی اعتماد کرد و مطمئن بود که منظور از چهارتار، پنج تار یا شش تار، همین ساز تار امروزی بوده باشد.

بر اساس نقاشی های مربوط به بزم شاه عباس صفوی در عمارت چلهستون اصفهان، معلوم می شود در آن زمان سازی مانند تار امروزی رواج نداشته است. در یکی از این نقاشی ها، سازهایی مانند دف، نی، قانون، کمانچه و سازی مضرابی شبیه به تار دیده می شوند. با توجه به این که یکی از سندهای محکم برای یافتن پیشینه هر ساز، وجود نقش ها و نقاشی های مختلف از عهد گذشته می باشد و چنین سندی تا کنون برای ساز تار بدست نیامده است، می توان گمان داشت که این ساز خیلی قدیمی نیست و احتمالاً در ۲۰۰ تا ۲۵۰ سال پیش به شکل امروزی در آمده باشد. قدیمی ترین تصویر متعلق به آن مربوط به اوایل دوران حکومت ناصرالدین شاه است که میرزا علی اکبر فراهانی، بزرگ خاندان هنرپرور فراهانی را در حال آموزش تار به هنرآموزان دربار قاجار نشان می دهد.

تار از دوره فتحعلی شاه قاجار کم کم به ساز اول موسیقی شهری ایران تبدیل شد. مهم ترین و معروف ترین نوازندگان این دوره نیز همگی تارنواز بودند و همچنین ردیف موسیقی دستگاهی ایران نیز به کوشش نوازندگان تار شکل گرفت. به جز منطقه آذربایجان، هیچ شکلی از تار در موسیقی های بومی ایران وجود ندارد. اما شکل متفاوتی از آن به نام رباب در مناطق وسیعی از بلوچستان، افغانستان و تاجیکستان از گذشته

www.takbook.com

های دور به یادگار مانده است. به گمان ژان دورینگ پژوهشگر معاصر فرانسوی، تار امروزی برگرفته از ساز رباب قدیم است. زیرا شکل کاسه هر دو ساز، دوقلوست و سطح روی شان با پوست حیوان پوشیده می شود.

شکل دیگری از تار، در مناطق شمال غرب ایران و همچنین کشور آذربایجان به نام تار قفقازی وجود دارد. این ساز نیز بنا به پژوهش های ورتکف و دیگر صاحب نظران آذربایجانی، تا پیش از قرن ۱۲ هجری (اواخر قرن ۱۸ میلادی) در قفقاز دیده نشده است. در آن زمان یک نوازنده ماهر به نام صادق اوغلی به آن سه سیم واخوان افزود و کمی شکلش را تغییر داد. بدین ترتیب تار قفقازی اقتباسی از تار ایرانی و در اصل برگرفته از رباب است. در حال حاضر این ساز با کاسه ای کوچک تر از تار ایرانی، هشت سیم دارد و محل قرار گرفتن آن همانند عکس های نوازندگان تار دربار قاجار، بر روی سینه نوازنده است.

قدیمی ترین تار ایرانی که در جهان غرب شناسایی شده، به سال ۱۲۸۹ هجری خورشیدی در یک موزه انگلیسی و قدیمی ترین سند تارنوازی با شکل و شمایل امروزی نیز، نوشته ای از گوبینو جهانگرد فرانسوی است که در سال ۱۲۳۵ خورشیدی، تارنوازی آقا علی اکبر فراهانی را در تهران از نزدیک دیده و او را یک هنرمند طراز اول جهانی توصیف کرده است.

نمونه ۱: نوازنده شش تار عصر صفوی

نمونه ۲: علی اکبر فراهانی در حال آموزش تار

www.takbook.com

نمونه ۳: رباب بلوچستان

نمونه ۴: تار قفقازی بر روی سینه نوازنده قرار می گیرد

ساختمان ساز

این ساز از دو قسمت کاسه و دسته تشکیل می شود. کاسه که مهمترین بخش ساز است معمولاً دو تکه ساخته می شود. چوب مورد استفاده بیشتر از درخت توت و گاهی از درخت گردوست و البته بهترین کیفیت با چوب توت بدست می آید. برای ساخت آن، ابتدا دو طرف کاسه تار به صورت جداگانه تراشیده می شود و سپس داخل هر یک خالی شده و بعد آنها را به هم می چسبانند. کاسه از یک قسمت بزرگ به نام شکم و یک قسمت کوچک به نام نقاره تشکیل می شود.

پس از چسباندن دو نیم کاسه، دسته را به آن وصل می کنند و سپس سرپنجه نیز به دسته وصل می شود. سرپنجه در واقع جعبه ای است که در انتهای دسته تار قرار دارد و گوشی های نگهدارنده سیم های تار بر دو سوی آن جای می گیرند. برای تار دو نوع سرپنجه می سازند. یکی طرح سنتی و دیگری نوعی جدید موسوم به طرح استاد قنبری (ابراهیم قنبری مهر) است.

دستهٔ تار ۴۵ تا ۵۰ سانتی متر طول دارد و جداگانه ساخته می شود. برای تزئین آن معمولاً دو نوار استخوانی که در بین شان یک نوار چوبی تیره رنگ نصب شده است، دیده می شود.

www.takbook.com

خرک وسیله کوچکی از جنس شاخ بز یا گوسفند است که سیم های تار از روی آن عبور می کنند و هنگام نوازندگی طنین صدای سیم ها از طریق همین خرک به پوست تار و در نهایت به کاسه تار وارد می شود تا برای چند مرحله تشدید شوند.

در سال های اخیر نوعی خرک پلاستیکی نیز ساخته شده است که به زعم برخی نوازندگان و سازندگان تار، صدای بهتری ایجاد می کند.

تار ۶ سیم دارد. سه عدد از سیم ها از جنس فولاد و سه عدد دیگر از جنس آلیاژهای مس هستند. در گذشته، تمام سیم ها را همانند سایر سازهای زه دار، از ابریشم می ساختند. سیم ها از یک طرف به کاسه تار وصل می شوند و پس از گذشتن از روی خرک در انتهای دسته به گوشی های ششگانه متصل می شوند.

سیم های تار با کوک های مختلفی به صدا در می آیند. هر کدام از آنها رنگ صوتی ویژه ای دارند و تقریباً با یک کوک می توان تمام دستگاه های موسیقی ایرانی را نواخت. گستره صدا دهی این ساز در حدود دو و نیم هنگام(Octave) است.

برای نوازندگی تار، کوک های مختلف و متنوع وجود دارد. برخی کوک ها برای اجرای برخی دستگاه ها مناسب تر و برای برخی دیگر چندان مناسب نیستند. چهار کوک رایج همانند نمونه های ۲۰، ۲۱، ۲۲ و ۲۳ هستند.

بر روی دسته تار ۲۵ تا ۲۸ عدد پرده بسته می شود. پرده ها مشخص کنندهٔ نقاطی هستند که نت های مختلف به وسیلهٔ آن تولید می شوند. جنس پرده از رودهٔ تابیده گوسفند است که نوازنده با دست گذاشتن روی هر کدام از آنها می تواند نت متفاوتی را بنوازد.

تار با مضرابی کوچک از جنس برنج به طول تقریبی سه سانتی متر نواخته می شود.

تقریباً نصف طول مضراب با موم پوشیده می شود تا مضراب در دست های نوازنده به راحتی جای گیرد.

در سال های اخیر یک نوع مضراب پلاستیکی نیز بدین منظور ساخته شده است.

www.takbook.com

از سازندگان قدیم تار می توان به نام های استاد خاچیک، هامبارسون، فرج الله، آقا گلی، یحیی، برادران عباس و جعفر صنعت، ملکم، استاد حاجی و پسرش رمضان شاهرخ اشاره کرد. در این میان نام یحیی، تارساز برجستهٔ اواخر قرن سیزدهم و اوایل قرن چهاردهم هجری بیشتر معروف است.

میرزا یحیی از ارامنهٔ جلفای اصفهان و نام اصلی اش هوانس آبکاریان بود. اما روی تارهای خود، با اسم مستعار "یحیی" امضا می کرد. تاریخ مرگ میرزا یحیی را که تا کنون مشهورترین سازندهٔ تار به حساب می آید، ۲۸ بهمن سال ۱۳۱۰ خورشیدی نوشته اند. در بین موسیقیدانان ایران، تار خوب همواره هم ارز با نام یحیی است. از سازندگان نامدار تار در حال حاضر می توان از محمود فرهمند، یوسف پوریا، ابراهیم برزی، ارژنگ ناجی و رامین جزایری نام برد.

نمونه ۱: تراشیدن نمای بیرونی کاسه

نمونه ۲: خالی کردن داخل کاسه

نمونه ۳: مرحله پایانی خالی کردن داخل کاسه

نمونه ۴: نمایی از کاسه تراشیده

www.takbook.com

نمونه ۵: نمای داخل از دو نیمه کاسه

نمونه ۶: نمای بیرون از دو نیمه کاسه

نمونه ۷: نمای دیگری از بیرون دو نیمه کاسه

نمونه ۸: چسباندن دو نیمه به یکدیگر توسط یوسف پوریا

نمونه ۹: اتصال سرپنجه به دسته

نمونه ۱۰: طرح سنتی سر پنجه

www.takbook.com

نمونه ۱۱: سر پنجه با طرح ابراهیم قنبری مهر

نمونه ۱۲: چسباندن دسته به کاسه

نمونه ۱۳: نمایی کامل از اتصال کاسه و دسته و سر پنجه

رهونه ۱۴: نمای دیگری از اتصال کاسه و دسته و سر پنجه

نمونه ۱۵: مراحل ساخت سیم گیر و خرک

نمونه ۱۶: خرک پلاستیکی که با استفاده از شاخ قوچ یا بز تهیه می شوند

www.takbook.com

نمونه ۱۷: سیم های تار از روی خرک می گذرند

نمونه ۱۸: نمای بالا از سرپنجه

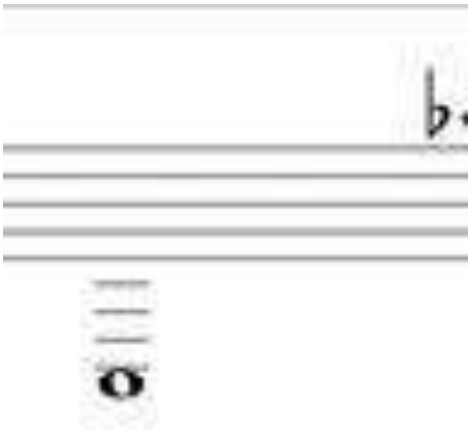

نمونه ۱۹: گستره صدا دهی تار

نمونه ۲۰: رایج ترین کوک تار

نمونه ۲۱: کوک دیگری که خیلی مورد استفاده قرار می گیرد ❋ نمونه ۲۲: کوک معروف به فا که بیشتر حرفه ای ها استفاده می کنند

www.takbook.com

نمونه ۲۳: معروف ترین کوک دستگاه شور برای تار

نمونه ۲۴: پرده های بسته شده بر روی دسته تار

نمونه ۲۵: نمایی دیگر از پرده های بسته شده بر روی دسته تار

نمونه ۲۶: مضراب برنجی تار

نمونه ۲۷: مضراب پوشیده با موم

نمونه ۲۸: مضراب پلاستیکی تار

www.takbook.com

نمونه ۲۹: هوانس آبکاریان معروف به یحیی، سرشناس ترین سازنده تار ایرانی

نوازندگان و شیوه های نوازندگی

تار اگر چه نسبت به سایر سازهای ایرانی پیشینه کهنی ندارد و جوان تر می نماید ولی در ۲۰۰ سال اخیر به عنوان مهم ترین ساز موسیقی شهری ایران شناخته شده است. بزرگ ترین موسیقیدانان یک صد سال اخیر از نوازندگان چیره دست تار بودند. نوازندگی تار در چند دهه اخیر به سه شیوه متمایز قابل دسته بندی است. الف- تارنوازی قدیم ایرانی ب- شیوه رادیویی ج- شیوه نوین

نوازندگان شیوه قدیم

به جز آقا علی اکبر فراهانی بزرگ خاندان فراهانی ها، که پیش از ورود دستگاه های ضبط صدا به ایران درگذشت، از سایر نوازندگان مطرح قرن اخیر نمونه های صوتی موجود است. از شاخص ترین آن ها می توان به نام آقا حسینقلی و میرزا عبدالله فرزندان آقا علی اکبر فراهانی اشاره کرد. چنان که از عکس های دوره قاجار پیداست، آن زمان تار بر سینه نوازنده قرار می گرفته است. اما از حدود سال ۱۳۰۰ خورشیدی (۱۹۲۱ میلادی) کم کم شیوه دست گرفتن ساز تغییر کرد و پیرو این تغییر، ساختمان ساز نیز تا اندازه ای بزرگ تر و سنگین تر شد.

www.takbook.com

درویش خان یکی از شاخص ترین شاگردان آقا حسینقلی بود. وی با داشتن ذوق آهنگسازی، قطعات ویژه ای برای این ساز بوجود آورد که هنوز هم سر مشق آهنگسازان و نوازندگان جوان هستند. او مدتی در مدرسه موزیک نظام به آموختن طبل مشغول بود و در آنجا با موسیقی غربی هم آشنا شد. در نتیجه تعداد محدودی از ساخته هایش فضای غربی دارند که از آن میان می توان به قطعات مارش و پولکا اشاره کرد. علاوه بر این، برخی از ضبط های به جا مانده از درویش خان با همراهی پیانوست.

پس از خاندان فراهانی، می توان از شاگردان زبده درویش خان یاد کرد که تارنوازان بسیار ماهری بودند، افرادی مانند، موسی معروفی، مرتضی نی داوود، یحیی زرین پنجه و کلنل علینقی وزیری.

علی اکبر شهنازی فرزند آقا حسینقلی نیز با آن که هنگام فوت پدر فقط ۱۸ سال داشت، این ساز را با مهارت زیاد می نواخت و عملاً در طول عمر ۸۱ ساله اش به شاخص ترین نوازنده تار ایران تبدیل شد. وی در شیوه نوازندگی تار ابداعاتی داشت ولی از چارچوب موسیقی اجدادی اش بیرون نرفت. او یکی از تأثیرگذارترین نوازندگان معاصر بود که تلفیقی از شیوه نوازندگی قدما و شیوه شخصی خود را با قدرت بالایی به نسل های بعدی انتقال داد. لحن تارنوازی اش، وجهی کاملاً متمایز از سایر نوازندگان قبل و بعد خودش دارد.

برخی نوازندگان کم شهرت نیز با شیوه هایی کاملاً شخصی و البته در چارچوب تارنوازی قدیم وجود داشتند که در زمان خود مورد توجه واقع نشدند ولی نسل بعد، قابلیت های نوازندگی آنان را ستود. غلامحسین بیگجه خانی یکی از این نمونه هاست که سرعت پنجه ویژه ای داشت و صاحب یک بیان منحصر به فرد بود.

سال های دهه پنجاه خورشیدی، به دوره بازگشت در موسیقی ایرانی معروف است. در این زمان با راه اندازی مرکز حفظ و اشاعه موسیقی ایرانی و بهره گیری از اساتید قدیمی، نسل جدیدی از نوازندگان شکل گرفتند که موسیقی آن ها تفاوت قابل ملاحظه ای با جریان رایج روز داشت. به همین نسبت، شیوه های متنوعی از تار نوازی نیز توسط همین نسل به وجود آمد که شباهتی به شیوه و نوین نداشت و در ادامه شیوه تار نوازی قدیم ایرانی بود. برای نمونه می توان به نام هایی چون محمد رضا لطفی، داریوش طلایی، حسین علیزاده، عطا جنگوک، داریوش پیرنیاکان و از جوان ترها به نام ارشد تهماسبی اشاره کرد.

www.takbook.com

نوازندگان شیوه نوین

کلنل علی نقی وزیری یکی از نوازندگان برجسته درویش خان بود که موفق شد از طریق بورس دولتی، پنج سال در برلین به فراگیری موسیقی غربی بپردازد و علاوه بر تار، نواختن ویولون و پیانو را هم بیاموزد. شیوه نوازندگی او پس از بازگشت به وطن، با نوع نوازندگی تارنوازان سنتی بسیار متفاوت بود و در نهایت وی بنیانگزار تارنوازی نوین ایرانی شد. ریزهای بسیار تند شبیه ماندولین، اجرای پاساژهای تند و نواختن فواصل پرشی از ویژگی های تار نوازی وی به شمار می روند. شیوه نوازندگی وزیری در نسل بعد چندان پیگیری نشد و منحصر به خودش باقی ماند. در سال های اخیر کیوان ساکت تنها کسی بود که مدتی شیوه نوازندگی وزیری را دنبال می کرد.

نوازندگان شیوه رادیویی

پس از آغاز به کار رادیو ایران در اردیبهشت ۱۳۱۹ خورشیدی (۱۹۴۰ میلادی)، کم کم پای نوازندگان سازهای مختلف، به رادیو کشیده شد و به تدریج شیوه ای دیگر در نوازندگی سازهای ایرانی پدید آمد که امروزه به شیوه و رادیویی معروف است. در این شیوه، تأکید نوازنده بر طنین ساز، بسیار زیاد است، به گونه ای که غالب نوازندگان در انتخاب ساز مورد نظر نیز به نمونه های پر طنین روی می آورند. در تارنوازی شیوه ، تک مضراب های قوی شنیده نمی شوند و ریزمضراب ها نیز آرام تر و به اصطلاح شمرده تر اجرا می شوند.علاوه بر این، نوازندگان بر احساس خود تکیه بیشتری دارند تا این که بخواهند بر اساس ردیف موسیقی دستگاهی اجرا کنند. از نوازندگان شاخص این شیوه، می توان به عبدالحسین شهنازی، لطف الله مجد، جلیل شهناز، فرهنگ شریف، مهدی تاکستانی، ابراهیم سرخوش، فریدون حافظی و هوشنگ ظریف اشاره کرد.

دیگر نوازندگان مطرح

علاوه بر این ها، در حال حاضر نوازندگان مشهور دیگری هستند که علی رغم گذراندن دوره های آموزشی تارنوازی قدیم، لحن آثارشان نشانه هایی از شیوه های قدیم، نوین و گاه موسیقی های بومی به همراه دارد. نوازندگانی همانند مجید درخشانی، حمید متبسم، محسن نفر، کیوان ساکت و داوود آزاد با کمی اغماض در این دسته بندی جای می گیرند.

www.takbook.com

تار در طول یک صد سال اخیر مهم ترین و پر طرفدارترین ساز ایرانی بوده است. به همین دلیل نوازندگان بیشتری به آن متمایل شدند. بر خلاف سازهای نی، کمانچه و حتی سنتور که در دوره هایی از موسیقی ایران با کمبود نوازنده مواجه بودند، تار همیشه بیشترین توجه ها را به خود جلب کرده و حتی قیمت گرانش نیز باعث کم رونقی اش نشده است. در فاصله سال های ۱۳۲۰ تا ۱۳۴۰ که غالب ارکسترها با سازهای غربی مثل خانواده ویلون، کلارینت، فلوت و پیانو صدا می دادند، تار به عنوان تنها ساز ایرانی در کنارشان بود. در واقع صدادهی (Sonority)جذاب این ساز در هر دوره ای باعث بقای آن شده و هم اینک نیز تعداد نوازندگان حرفه ای تار در مقایسه با گذشته، خیلی بیشتر است که از میان آن ها می توان به این نام ها اشاره کرد: شهریار فریوسفی، کیخسرو پورناظری، زیدالله طلوعی، فرخ مظهری، مهرداد دلنوازی، محمد دلنوازی، شهرام میرجلالی، محمد جمال سماواتی، حمید سکوتی، منصور سینکی، سیامک نعمت ناصر، همایون یزدانی، افشین فرامرزی، جهانشاه صارمی، بهرام ساعد، بهروز همتی، فریبرز عزیزی، حمید خبازی، وحید بصام، عرفان گنجه ای، علی قمصری، پیام جهانمانی، سهیل حکمت آرا، آرشام قادری، حشمت الله عطایی، سیاوش پورفضلی، لاله زهیدی، ایمان وزیری، عماد حنیفه، هوشنگ فراهانی، ارژنگ سیفی زاده، سلمان سالک، پدیده احرار نژاد، حامد فکوری، پیمان خسروی سامانی، حسن امین شریفی، ساناز ستار زاده، امین رامین، مازیار شاهی، تهمورس پورناظری، رضا موسوی زاده، صادق موسوی، وحید خسروی، مقداد شاه حسینی و ...

نوازندگان زن

نوازندگان حرفه ای تار در طول دو قرن اخیر همواره مرد بوده اند و زنان به دلایل متعدد، چندان نتوانسته اند در این ساز به درجات بالایی برسند. نخستین بانوانی که موفق به یاد گیری تار شدند، دو تن از زنان دربار فتحعلی شاه قاجاربه نام های زهره و مینا بودند.

کم کم با موج نوگرایی ایرانیان در همه زمینه ها و ایجاد مدرسه ویژه دختران، آموزش موسیقی نیز دچار تحول شد. کلنل علی نقی وزیری پس از اتمام تحصیلات موسیقی اش در برلین، سال ۱۳۰۲ به تهران آمد و نخستین مدرسه موسیقی غیردولتی را بنا گذاشت. او بعدها در همین مدرسه برای بانوان کلاس تار برقرار کرد و عده ای از دختران غالباً از خانواده های مرفه، موفق شدند این ساز را بیاموزند.

با وجود فراگیر شدن آموزش موسیقی در جامعه ایرانی، زنان بسیار کمی توانستند در نوازندگی این ساز به

www.takbook.com

مراتب عالی برسند و غالب ایشان پس از تشکیل خانواده یا دلایل دیگر، از فعالیت های هنری باز ماندند. با این وجود تعداد کمی از بانوان، این ساز را به نحو مطلوبی می توانند بنوازند. افرادی همچون پیرایه پورافر، آذر زرگریان، بهاره فیاضی و صهبا مطلبی که از میان ایشان بهاره فیاضی و صهبا مطلبی، به اعتراف بیشتر اساتید تار، توانسته اند این ساز را به صورت حرفه ای و مورد قبول اهل فن بنوازند. درک قوی ایشان از موسیقی ایرانی و تسلط بر ساز تخصصی شان، باعث شده تا ایشان از معدود بداهه نوازان تار در میان زنان ایرانی باشند.

نمونه ۱: نوازندگان دوره قاجار-میرزا عبدالله نفر دوم، نشسته از سمت چپ

نمونه ۲: میرزا عبدالله

نمونه ۳: آقا حسینقلی

نمونه ۴: درویش خان

www.takbook.com

نمونه ۵: تار نوازی موسی معروفی

نمونه ۶: مرتضی نی داوود در نوجوانی

نمونه ۷: علی اکبر شهنازی

نمونه ۸: غلامحسین بیگجه خانی

نمونه ۹: محمد رضا لطفی

نمونه ۱۰: داریوش طلایی

www.takbook.com

نمونه ۱۱:حسین علیزاده

نمونه ۱۲: داریوش پیرنیاکان

نمونه ۱۳: بانوی نوازنده تار متعلق به دوره قاجار * نمونه ۱۴: امروزه تعداد تارنوازن زن افزایش چشمگیری یافته است

نمونه ۱۵: بهاره فیاضی

نمونه ۱۶: صهبا مطلبی

www.takbook.com

سازهای هم خانواده

در سال های اخیر هر گونه نوآوری بر روی این ساز، بیشتر به افزایش کیفیت و کارایی آن منجر شده است. تنها اتفاق مهم در این خصوص ساخت اندازه هایی کوچک تر و بزرگ تر از تار معمولی بود که به پیشنهاد کلنل علی نقی وزیری و البته با الگو برداری از فرهنگ موسیقی غربی، به نام های تارسوپرانو و تارباس ساخته شدند. از این دو، فقط تارباس موفق شد در موسیقی نوین ایران جایی پیدا کند و امروزه بیشتر گروه های موسیقی ایرانی از آن بهره می برند. صدادهی تارباس یک هنگام (Octave) بم تر از تار معمولی است. این ساز فقط سه عدد سیم دارد و معمولاً از سیم های گیتار و در مواردی از سیم های ویلنسل بهره می گیرد. تارباس با مضرابی از جنس پلاستیک یا شاخ حیوان نواخته می شود. صدای تک نوازی آن خیلی جذاب نیست ولی در گروه نوازی کاربرد فراوان دارد. در تارباس فقط صداهای بم مورد نیاز است. به همین دلیل روی بخش نقاره، همانند تار پوست نمی اندازند و این قسمت غالباً به صورت خالی دیده می شود. برخی نیز برای زیبایی، روی آن را با یک توری نازک می پوشانند. تارباس در سال های اخیر غالباً در کنار عود، بخش باس موسیقی های معاصر ایرانی را می پوشاند.شکل دیگری از تار، در مناطق شمال غرب ایران و همچنین کشور آذربایجان به نام تار آذری یا قفقازی وجود دارد. این ساز نیز بنا به پژوهش های ورتکف Vertkov و دیگر صاحب نظران آذربایجانی، تا پیش از قرن ۱۲ هجری (اواخر قرن ۱۸ میلادی) در منطقه قفقاز دیده نشده است. در آن زمان یک نوازنده ماهر به نام صادق اوغلی به آن سه سیم واخوان افزود و کمی شکلش را تغییر داد. آذربایجان، تنها منطقه بومی ایران است که در آن علاوه بر موسیقی محلی، یک موسیقی ویژه به نام موسیقی موقامی (مقامی) در آن وجود دارد که با سازهای کمانچه، تار آذری و قاوال نواخته می شود. تار آذری که در گستره بزرگی از مناطق آذری نشین تا گرجستان رواج دارد، در بیشتر متون تاریخی از آن به عنوان تار قفقازی یاد شده است. همانند تار ایرانی، کاسه ای دوقلو دارد ولی به جای شش سیم، از هشت عدد بهره می گیرد. ضمن این که صدایش کمی تودماغی است. این ساز همیشه روی سینه نوازنده قرار می گیرد و به همین دلیل، ایستاده هم می توان آن را نواخت.

www.takbook.com

نمونه ۱: تارباس فقط سه عدد سیم دارد

نمونه ۲: تار آذری یا قفقازی

تجربه های نوین

تار از گذشته همواره در دو نقش تکنواز و همنواز ایفای نقش می کرده است. قدرت صدای آن با سازهایی چون سنتور، عود، کمانچه و نی برابری می کند و بدون میکروفون می تواند در کنار این سازها به همنوازی بپردازد. در سال های اخیر علاوه بر کارهای گروه نوازی ایرانی، آهنگ های مستقلی نیز برای این ساز تصنیف شده است. آهنگ هایی مانند چند نوازی تار که نخستین بار توسط آهنگسازی به نام محسن نفر صورت گرفت و یا دونوازی تار به نام شورانگیز، ساخته حسین علیزاده با اجرای مشترک خودش و ارشد تهماسبی. البته خیلی پیش تر، علی نقی وزیری، آهنگ های دونوازی برای تار نوشته بود ولی عموماً این آهنگ ها شبیه دونوازی های غربی بودند که بیشتر توسط هنرآموزان هنرستان موسیقی اجرا می شدند و در مجموع از اقبال عمومی برخوردار نبودند. در مجموع تجربه محسن نفر در آهنگ چند نوازی تار و تارباس که بیشتر بر اساس تشکیل آکورد زیر ملودی اصلی شکل گرفته بود و همچنین تجربه دونوازی تار ساخته حسین علیزاده که از نوعی فن چند صدایی موسوم به کنترپوان استفاده می کرد، به مذاق شنوندگان موسیقی ایرانی بیشتر خوش آمدند. در خصوص تجربه های نوین تار همچنین می توان به آهنگ فانتزی برای تار و ارکستر ساخته حسین دهلوی اشاره کرد. این آهنگ در اصل بر اساس "بندباز" ساخته کلنل علینقی وزیری بسط و گسترش یافته است.تار همواره در کانون تمدن های شهری بوده و کاربردی در موسیقی محلی نداشته است ولی در چند دهه اخیر و به خصوص با راه اندازی رادیو ایران، برخی نوازندگان محلی به این ساز روی آوردند. از سوی

www.takbook.com

دیگر برخی نوازندگان موسیقی شهری نیز سعی کردند با استفاده از آن، آهنگ های محلی را بازنوازی کنند.

اجرای برخی آهنگ های مشهور موسیقی غربی با تار از دیگر تجربه های نوازندگان معاصر است. چنین تجربه ای ابتدا در باکو پایتخت کشور آذربایجان توسط تارنوازان آذری صورت گرفت و امروزه نیز کیوان ساکت، یکی از نوازندگان ایرانی به چنین تجربه ای روی آورده است. این آثار در اصل برای سازهایی مثل ویولون، پیانو و گیتار نوشته شده اند که در اجرای جدید با صدادهی تار، رنگ متفاوتی به خود گرفته اند. روشن است اجرای چنین آثاری در مقوله موسیقی ایرانی نمی گنجد. بلکه صرفاً تجربه ای برای ایجاد یک موسیقی جدید با هویت دوگانه است.

نمونه ۱: گروه شیدا

نمونه ۲: هوشنگ ظریف

www.takbook.com

نمونه ۳: محسن نفر، آهنگساز و نوازنده تار

نمونه ۴: عطا جنگوک

نمونه ۵: کیوان ساکت

www.takbook.com

سه تار

پیشینه و معرفی

چند مجسه گلی پیداشده در منطقه باستانی هفت تپه و معبد بزرگ "چغازنبیل" واقع در استان خوزستان، نوازنده ای را نشان می دهند که ساز او شباهت زیادی به سه تار امروزی دارد. این نقش های برجسته مربوط به ۱۵۰۰ سال پیش از میلاد مسیح، حکایت از رواج سازی به نام تنبور در آن روزگار می کنند.

نام سه تار در اشعار شاعران کهن خیلی زیاد به کار رفته است و حتی به "سه تای" باربد موسیقیدان نامدار حکومت ساسانی در پیش از اسلام اشاره می کنند. حکیم ابونصر فارابی نیز در حدود ۹۴۰ میلادی با نگارش کتاب معروف اش به نام موسیقی الکبیر از سازی به نام تنبور نام می برد. وی با ذکر جزئیات این ساز و حتی نقاشی کردن شکل آن ها در کتابش، انواع تنبورهای رایج زمان خود را طبقه بندی کرده است. شکل ظاهری تنبورهای زمان فارابی با سه تار امروزی شباهت بسیار زیادی دارد و نشان می دهد سه تار از این سازها الگو برداری شده است.

تنبور که به نوعی جد سه تار محسوب می شود، از قدیم با استفاده از تمام انگشتان دست، نواخته می شد و همچنان به همان شیوه صدا می دهد.

اما سه تار تنها ساز ایرانی است که با ناخن انگشت اشاره نواخته می شود و نوازندگی آن به شکل و شیوه امروزی پیشینه زیادی ندارد. در نقاشی های کاخ چهلستون اصفهان متعلق به دوره حکومت صفویه، سازی شبیه به سه تار دیده می شود. ولی در مقایسه با سه تار امروزی، سیم های بیشتری دارد. شش عدد گوشی درنقاشی دوره صفوی نشان می دهد که این ساز شش سیمه بوده است.

سه تار، سازی از خانواده سازهای زهی مضرابی است. در قدیم چون سه عدد تار یا سیم یا زه داشت، به آن سه تار گفته اند. اما درعصر حاضر همه سه تارهای شناخته شده، دارای چهارسیم اند. می گویند سیم چهارم را درویشی به نام مشتاق علیشاه از اهالی کرمان در دوره زندیه بر آن افزود و چون قابلیت های نوازندگی ساز افزایش یافت، به سرعت در بین نوازندگان این ساز پذیرفته شد. گستره صدا دهی این ساز دو و نیم هنگام (octave) و حجم صدای آن بسیار کم است و کیفیت صدایش به گونه ای است که بیشتر نوازندگان در خلوت خویش بدان می پردازند. سه تارغالباً به عنوان ساز تکنواز نواخته می شود، ولی امروزه با وجود دستگاه های تقویت کننده امکان به کار گیری این ساز در گروه های مختلف وجود دارد.

www.takbook.com

نمونه ۱: نوازنده عهد باستان ۲۰۰۰ سال پیش از میلاد مسیح پیدا شده در منطقه شوش، استان خوزستان

نمونه ۲: نوازنده تنبور عهد باستان مربوط به ۱۵۰۰ سال پیش از میلاد مسیح پیدا شده در منطقه هفت تپه استان خوزستان

نمونه ۳: تنبور خراسانی از کتاب موسیقی الکبیر فارابی

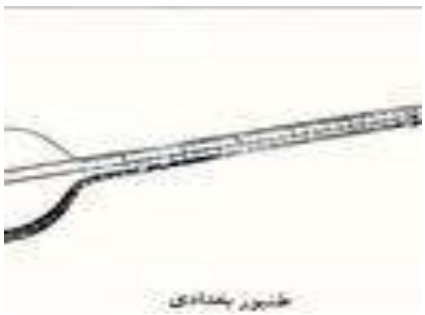

نمونه ۴: تنبور بغدادی از کتاب موسیقی الکبیر فارابی

www.takbook.com

نمونه ۵: شیوه نواختن تنبور با پنج انگشت

نمونه ۶: نوازنده دوره صفوی با سازی شبیه سه تار که شش سیم دارد

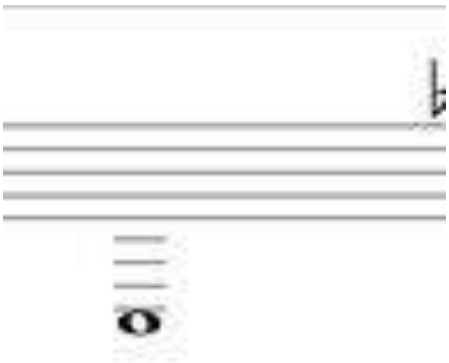

نمونه ۷: گستره صدا دهی سه تار

نمونه ۸: معمول ترین کوک سه تار

نمونه ۹: کوک متداول دیگری برای سه تار

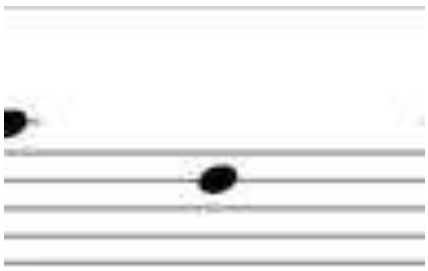

نمونه ۱۰: کوک معروف به راست پنجگاه

www.takbook.com

نمونه ۱۱: کوکی مناسب شور لا در سه تار

ساختمان ساز

این ساز از یک کاسه کوچک و دسته ای بلند تشکیل می شود. سیم ها از یک طرف به سیم گیر در انتهای کاسه درگیرند و از طرف دیگر به انتهای دسته که سرپنجه نام دارد، متصل می شوند. در سر پنجه ساز، چهار عدد گوشی وجود دارد که به وسیله آن ها می توان سیم ها را کوک کرد. در الگوهای قدیمی سه تار، گوشی ها به صورت دو به دو عمود بر هم نصب می شوند ولی در الگوی جدید که به طرح استاد قنبری معروف است، همه گوشی ها در طرفین سرپنجه قرار می گیرند.

جنس کاسه معمولاً از چوب درخت توت یا شاه توت است. در مواردی هم از چوب گردو استفاده می کنند. ولی جنس دسته ساز همواره از چوب گردو است که بر روی آن، ۲۵ عدد پرده از جنس روده تابیده و اخیراً نخ های مصنوعی نظیر نایلون بسته می شود تا به وسیله آن ها نوازنده بتواند روی سیم ها انگشت گذاری کند و نغمه ها به صدا درآیند. در شیوه نوین نوازندگی گاه تعداد پرده ها ممکن است تا ۲۸ عدد افزایش یابد.

انتقال صدا از سیم های ساز به کاسه سه تار به واسطه چوب کوچکی به نام خرک صورت می گیرد. خرک از جنس چوب شمشاد است و لرزش های مربوط به سیم را از طریق صفحه نازک به داخل کاسه هدایت می کند. در نتیجه صداها پس از چند بار انعکاس و تشدید، بار دیگر از مسیر سوراخ های روی صفحه بیرون می آیند.

طول کاسه سه تار ۲۲ تا ۳۰ ، عرض آن ۱۲ تا ۱۸ و عمق کاسه بین ۱۲ تا ۱۶ سانتی متر است. دسته سه تار به ضخامت ۳ تا ۵/۳ سانتی متر وطول آن ۴۰ تا ۴۸ سانتی متر می باشد و کل طول ساز یعنی دسته و کاسه، ۷۶ تا ۸۰ سانتی متر طول دارد. سیم های سه تار به ترتیب سیم سفید، سیم زرد، سیم واخوان و سیم بم نام دارند. سه تار کوک های بسیار متنوعی دارد که برخی از این کوک ها ویژه همین ساز هستند و معمولاً در تک نوازی مورد استفاده قرار می گیرند.کاسه سه تار در

www.takbook.com

قدیم به صورت یک تکه از تنه درخت درست می شد. در این روش، تنه درخت از بیرون تراشیده و از درون خالی می شود که البته سازنده ساز در تهیه کاسه با تحمل زحمت و سختی بیشتری مواجه است. گذشته از صرف وقت و نیرو برای کندن و تراشیدن چوب، رعایت هماهنگی قطر کاسه در تمام قسمت ها مهم ترین مسئله ای است که سازنده باید در نظر داشته باشد.

در عصر حاضر با پیشرفت های فنی، گونه متفاوتی به نام روش ترکه ای بوجود آمده است. در روش جدید، تخته های چوب از درخت به ضخامت حدود ۳ میلی متر مدتی در آب خیسانده می شوند و پس از حدود ۲۴ ساعت آن ها را در قالب های مخصوص قرار می دهند و با حرارت زیاد در زمانی بسیار کوتاه می خشکانند. پس از خشک شدن قطعات قالب گیری شده، بر اساس الگویی از پیش تعیین شده، آنها را به هم می چسبانند و کاسه ساز شکل می گیرد.

پس از آن که کاسه آماده شد، دسته ساز را به آن وصل می کنند.

سه تار معمولاً در دو اندازه کاسه بزرگ و کاسه کوچک ساخته می شود. سه تارهای کاسه بزرگ به الگوی استاد مهدی کمالیان هم شهرت دارند. سه تارهای کاسه کوچک نیز گاه به الگوی استاد هاشمی شناخته می شوند. تفاوت این دو نوع کاسه معمولاً در جنس صدای ساز است. آنها که صدای بم دوست دارند، معمولاً سه تار کاسه بزرگ انتخاب می کنند و در مقابل علاقه مندان صداهای تیز و شفاف به سراغ سه تار های کاسه کوچک می روند. در روش ساخت ترکه ای، برخی سازندگان به زیبایی کاسه نیز توجه خاصی دارند و در نتیجه نمونه های بسیار جذابی تولید می کنند.

سازندگان معروف سه تار در یکصد سال اخیر عبارتند از: علی محمد خان صفایی (۱۳۱۸-۱۲۷۶) ، حاج طاهر، ابوالقاسم اعتمادی معروف به مفتح السلطان، نریمان آبنوسی، مختاری، عشقی، استاد فرج الله، ابواحسن صبا، حاج محمد کریم خان، سید جلال، جواد چاپیچی، ناصر شیرازی، مهدی کمالیان، زاد خیل، مفاخری و رامین جزایری.

نمونه ۱: نصب گوشی های سه تار با الگوی قدیم

نمونه ۲: الگوی جدید سرپنجه طراحی و ساخت استاد قنبری مهر

www.takbook.com

نمونه ۳: سیم گیر سه تار

نمونه ۴: روی دسته ساز ۲۵ تا ۲۸ پرده بسته می شود

نمونه ۵: محل قرار گرفتن خرک روی صفحه ساز

نمونه ۶: کاسه سه تار به صورت یکپارچه

نمونه ۷: ترکه اصلی در کاسه های امروزی

نمونه ۸: ترکه های فرعی در کاسه های امروزی

www.takbook.com

نمونه ۹: نمای پشت کاسه ترکه ای

نمونه ۱۰: نمای جلو از کاسه ترکه ای سه تار

نمونه ۱۱: محل اتصال کاسه به دسته سه تار

نمونه ۱۲: طرح های زیبا روی کاسه سه تار کار استاد قنبری مهر

نوازندگان و شیوه های نوازندگی

در قرن حاضر نواختن این ساز دچار تحولات زیادی شده است و هم اینک بیش از ده شیوه سه تار نوازی را داریم که هر یک بر گرفته از شیوه قدما و ترکیب آن با شیوه های دیگر از جمله سلایق شخصی است. این تفاوت نواختن ها در عمل با استفاده از تنوع مضراب زنی، موقعیت قرار گفتن دست مضراب زن بر روی صفحه ساز و نحوه پرده گرفتن توسط دست چپ حاصل می شود. عواملی همچون نواخت ملایم بر روی سیم ها، تک سیم نوازی، شلوغ نوازی، تنبوری نوازی و سرعت مضراب و پنجه باعث می شوند صداهای متفاوتی از این ساز شنیده شود. در عصر ناصرالدین شاه و مظفرالدین شاه، میرزا عبدالله فرزند آقا علی اکبر فراهانی از نخستین کسانی بود که سه تار را، مانند تار یکی از سازهای بنیادین موسیقی ایرانی دانست و خود او نیز علاوه بر تار، نوازنده چیره دست سه تار بود. اما از آنجا که در نخستین ضبط های موسیقی ایرانی هیچ اثری از سه

www.takbook.com

تار نوازی میرزا عبدالله به ثبت نرسیده است، اطلاع دقیقی از شیوه نوازندگی سه تار او نداریم. پس از وی، شاگردش درویش خان شاخص ترین نوازنده سه تار زمان خود بود که از او نیز هیچ نمونه صوتی بر جای نمانده است. درویش خان علاوه بر تار، شاگردان ممتازی در نوازندگی سه تار داشت که می توان به نام های ابوالحسن صبا، ارسلان درگاهی، یوسف فروتن، سعید هرمزی و کلنل علی نقی وزیری اشاره کرد. وزیری با وجود آن که شاگرد مستقیم درویش خان بود ولی در نوازندگی سه تار دنباله رو استادش نشد و یک شیوه کاملاً شخصی در پیش گرفت. سنت سه تار نوازی بر اساس ردیف موسیقی ایران با تفاوت هایی در نحوه بیان، بعدها توسط احمد عبادی، داریوش صفوت، جلال ذوالفنون، محمدرضا لطفی و داریوش طلایی ادامه یافت.

شیوه نوازندگی این ساز پس از ورود به رادیو تغییر کرد. احمد عبادی فرزند کوچک میرزا عبدالله در سال ۱۳۲۷ توسط اسماعیل نوّاب صفا به رادیو دعوت شد و برای اوّلین بار در مرداد ماه سال ۱۳۲۷ صدای سه تارش از رادیو پخش گردید. پیش از آن شیوهٔ قدما در نوازندگی سه تار بدین شکل بود که تمامی سیم ها با یکدیگر به صدا در می آمد ولی عبادی شیوه خلوت نوازی یا تک سیم نوازی را سرلوحه کار خویش قرار داد. عبادی گر چه فرزند میرزا عبدالله بود ولی مرگ زود هنگام پدر این فرصت را به او نداد تا از محضرش استفاده کند. بنابراین بعدها نوازندگی سه تار را از خواهران خود خصوصاً ملوک خانم که سه تار را به شیوهٔ پدر می نواخت فرا گرفت. با این وجود، عبادی شیوه سه تار نوازی پدر را دنبال نکرد و خود در این فن، صاحب شیوه مخصوصی شد.

پس از فوت استاد صبا شیوه نوازندگی قدما چندان پیگیری نشد و سه تار نوازی عملاً به سلایق شخصی میل کرد. به عبارتی هر یک از نام آوران نوازندگی این ساز با استفاده از منابع مختلف و لحاظ سلیقه های شخصی به الگوهای متفاوتی از نوازندگی سه تار دست یافتند. این تفاوت ها به گونه ای است که یک شنونده کم آشنا هم با چند بار گوش دادن متوجه آن ها می شود. از شاگردان مستقیم ابوالحسن صبا می توان به دکتر داریوش صفوت، دکتر تفضلی و محمود تاجبخش اشاره کرد.

از دیگر نوازندگان مطرح سه تار می توان به نام های عطا جنگوک، داریوش پیرنیاکان، مسعود شعاری، بهداد بابایی، رامین جزایری و فرشاد توکلی اشاره کرد که برخی از ایشان تلفیقی از شیوه های گوناگون همراه با سلیقه های شخصی را در سه تار نوازی سنتی دنبال می کنند و برخی دیگر مانند رامین جزایری و فرشاد توکلی دنباله رو شیوه ابوالحسن صبا هستند.

سه تار سازی سبک، کم حجم و نسبتاً ارزان قیمت است و صدایی ملایم دارد. به همین دلیل علاقه مندانش بیشتر از دیگر سازهای ایرانی مانند تار، سنتور و کمانچه هستند. به غیر از اساتیدی که نام و نمونه کارشان در این مجموعه آمده است، نوازندگان زیادی هم اینک به نواختن و آموزش این ساز ظریف مشغول هستند، افرادی مانند حمید سکوتی، هادی آذرپیرا، مهرداد ترابی، بهنام وادانی، قشنگ کامکار، وصال عرب زاده، انوش جهانشاهی، امیر حسین پورجوادی، بهاره فیاضی، فرید

www.takbook.com

خردمند، عرفان گنجه ای، علی بوستان، امین رامین، سروش قهرمانلو، مهدی رستمی، سیاوش کرمی، حافظ ناظری، تهمورس پورناظری، علیرضا مرتضوی، مژگان شجریان، آرشام قادری، وحید خسروی، بهراد توکلی، سپیده مشکی، کاوه گرایلی و ...

نمونه ۱: یوسف فروتن

نمونه ۴: ابوالحسن صبا

نمونه ۶: ارسلان درگاهی

نمونه ۱۰: احمد عبادی

نمونه ۱۲: جلال ذوالفنون

نمونه ۱۷: داریوش طلایی

نمونه ۱۵: حسین علیزاده

www.takbook.com

نمونه ۱۹: مسعود شعاری

نمونه ۲۱: بهداد بابایی

سازهای هم خانواده

همچنان که خود سه تار برگرفته از تنبور عهد باستان است، در عصر حاضر نیز سازهای جدیدی با الگو برداری از سه تار بوجود آمده اند. از جمله می توان به سه تار پوستی، سه تار باس و سه تار شورانگیز اشاره کرد. گر چه این سازهای جدید تا کنون هیچ یک همانند خود سه تار فراگیر نشده اند. ولی به ضرورت، گاهی در کنسرت ها و آثار ضبط شده، صدای آنها را می توان شنید. نخستین تجربه، ساخت سه تار پوستی است که در اوایل قرن خورشیدی حاضر صورت گرفت. بیشتر نواخته های ارسلان درگاهی با این نوع سه تار ضبط شده است. از آن جا که در سه تار پوستی به جای صفحه چوبی، یک قطعه پوست نازک مورد استفاده قرار می گیرد، صدای ساز کمی به سمت صدای تار متمایل می شود. ولی در مجموع، تفاوت زیادی با صدای سه تار ندارد.

تجربه دیگر، ساخت سه تار شورانگیز است که برای اولین بار به پیشنهاد زنده یاد علی تجویدی و اجرای ابراهیم قنبری مهر ساخته شد. شورانگیز در واقع سه تاری است که صفحه آن علاوه بر چوب، از قطعه ای پوست هم بهره می برد و به همین دلیل طنین بیشتری دارد. صدای شورانگیز کمی بم تر از سه تار معمولی است.

سه تار شورانگیز معمولاً در دو اندازه کوچک و بزرگ ساخته می شود. انواع کوچک همانند سه تار معمولی چهار سیم دارند ولی اندازه های بزرگ تر دارای شش سیم هستند. یعنی دو سیم اول و دوم به صورت جفت بسته شده اند.

سه تاربم یا سه تارباس نیز در واقع سازی است که یک هنگام (octave) از سه تار معمولی بم تر صدا می دهد. این ابتکار نخستین بار از سوی مسعود شعاری به کار گرفته شد و اینک به طور محدود در برخی اجراها از آن استفاده می شود.

در چند سال اخیر ساز جدیدی به پیشنهاد حسین علیزاده و اجرای سیامک افشاری با الگوبرداری از سه تار و یک ساز دیگر ایرانی به نام بربط (عود) ساخته شد که از بسیاری جهات، شباهت زیادی به سه تار دارد. اول اینکه همانند سه تار با ناخن

www.takbook.com

نواخته می شود و دوم، در بخش صداهای زیر صدایش شباهت زیادی به سه تار دارد. این ساز سلانه نام گرفته و همانند شورانگیز دارای شش سیم است. علاوه بر آن تعدادی سیم واخوان نیز بدون این که در اجرای ملودی نقشی داشته باشند، به بدنه ساز بسته شده اند و طنین صدای آن را افزایش می دهند.

نمونه ۱: سه تار پوستی

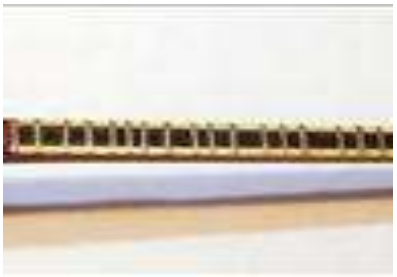

نمونه ۳: نمای روبرو از سه تار شورانگیز با چهار سیم

نمونه ۵: شورانگیز شش سیمه

نمونه ۶: سه تارباس کاسه ای بزرگ تر از سه تار معمولی دارد

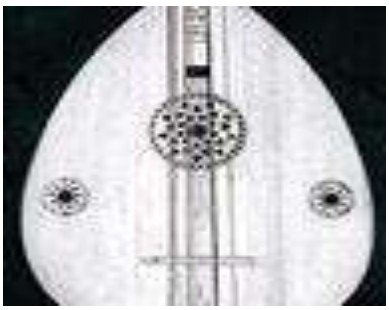

نمونه ۸: نمای روبرو از سلانه

نمونه ۹: حسین علیزاده با سلانه

www.takbook.com

تجربه های نوین

سه تار سازی است که بیشتر در تکنوازی به کار می رود. پایین بودن حجم صدای آن، عملاً امکانی برای حضوری برابر در گروه های موسیقی را به این ساز نمی دهد، مگر اینکه با کمک دستگاه های تقویت کننده صدا بتوان به صدای آن حجمی داد. در عوض به راحتی می توان در محیط های کم صدا آن را به صدا درآورد، بی آن که نگران مزاحمت برای دیگران بود. به همین دلیل این ساز در مقایسه با دیگر سازهای ایرانی کمی خصوصی جلوه می کند. اما در دوره جدید با استفاده از ابزار و امکانات نوین، کاربردهای متفاوتی برای این ساز می توان جستجو کرد. نخستین کاربرد غیر تکنوازی این ساز، اجرای مجموعه برنامه هایی تحت عنوان همنوازی سه تار بود که توسط جلال ذوالفنون در اوایل دهه شصت خورشیدی تحقق یافت. در این شیوه، چند نوازنده سه تار به طور همزمان به اجرای موسیقی می پردازند و چون به جز تنبک یا دف، ساز دیگری همراه آنها نیست. در نتیجه یک جلوه صوتی متفاوتی ایجاد می شود.تکنوازی های جدید، جلوه های جدیدی از قابلیت این ساز را به نمایش گذاشته اند که در مقایسه با شیوه های نوازندگی سنتی، تفاوت قابل ملاحظه ای دارند. برای نمونه تکنوازی سه تار حسین علیزاده با عنوان "ترکمن" شکل نوینی از سه تارنوازی معاصر است که الزاماً در چارچوب موسیقی دستگاهی نمی گنجد.سه تار غالباً به عنوان ساز دوم نیز نواخته می شود. خیلی از نوازندگان، آهنگسازان و خوانندگان موسیقی ایرانی، برای خلوت خود از این ساز بهره می برند و گاه آن را در اجراهای رسمی شان نیز ارائه می دهند. معمولاً نوازندگان حرفه ای سه تار به نواختن ساز دیگری متمایل نیستند اما به گونه عجیبی سایر نوازندگان سازهای ایرانی، کم و بیش به سه تار روی آورده اند. حتی بیشتر خوانندگان آواز ایرانی برای خلوت خویش و همچنین همراهی آوازشان، به سه تار علاقه مندند. به نظر می رسد در این ساز یک کشش ویژه ای وجود دارد که غالب نوازندگان دیگر سازهای ایرانی، نمی توانند از آن چشم بپوشند. بیشتر نوازندگان تار معمولاً به دلایل فنی با سه تار آشنایی دارند. برخی نوازندگان دیگر سازهای ایرانی مانند حسن کسایی (نی)، علی تجویدی (نوازنده ویولون و آهنگساز)، پرویز مشکاتیان (نوازنده سنتور و آهنگساز)، کیهان کلهر (نوازنده کمانچه) و حمید متبسم (نوازنده تار و آهنگساز) نیز تجربه های سه تار نوازی در کارنامه خویش دارند که این تجربه ها گاه کاملاً در چارچوب سه تار نوازی سنتی می گنجند و گاه در فضاهای متفاوتی سیر می کنند.در چند دهه اخیر استفاده از سه تار در گروه نوازی سازهای ایرانی و حتی ارکسترهای بزرگ و کوچک از نوع سمفونیک متداول شده است. در چنین مواردی معمولاً با استفاده از دستگاه های تقویت صدا، فضای مناسبی برای خودنمایی سه تار بوجود می آورند. از دیگر استفاده های نوین این ساز می توان به برخی موسیقی های تلفیقی اشاره کرد که سه تار در کنار سازهایی مانند گیتار، ویولون، طبلای هندی و غیره به همنوازی می پردازد.در نوعی دیگر از سه تار نوازی نوین، تقریباً همان شیوه های سنتی نوازندگی کم و بیش لحاظ می شود ولی سرعت اجرای قطعات و برخی تکنیک ها مانند مضراب ریز به طرز کاملاً محسوسی از شیوه قدیمی بیشتر است. اجرای حرکت های سرعتی، مهم ترین ویژگی این شیوه نوازندگی است. تکنوازی های بهداد بابایی نمونه ای از این شیوه به شمار می رود.

www.takbook.com

نمونه ۱: جلال ذوالفنون

نمونه ۳: حسین علیزاده

نمونه ۵: حمید متبسم

نمونه ۷: مسعود شعاری

نمونه ۹: بهداد بابایی

www.takbook.com

قانون

پیشینه و معرفی

ریشه ساز قانون ایرانی است که پس از اسلام به موسیقی عرب نیز راه یافت. این ساز تا دوره صفویه همچنان درایران رایج بود. ولی بعد از افول امپراطوری صفوی و اشغال ایران توسط افغان ها، بسیاری از جلوه های هنری از جمله ساز قانون به فراموشی سپرده شد. قدیمی ترین سند مربوط به آن در کتاب موسیقی الکبیر فارابی است. این دانشمند و موسیقیدان سرشناس جهان اسلام در قرن چهارم هجری (دهم میلادی) با بررسی عمیق سازهای متداول زمان خود، اسناد ارزشمندی را به یادگار گذاشت.

نمونه ۱: تصویر قانون از کتاب موسیقی الکبیر فارابی

ساختمان ساز

این ساز ساختاری شبیه به یک ذوزنقه قائم الزاویه دارد. تعداد زیادی سیم نایلونی و فلزی به دو سوی جعبه وصل می شوند و در مسیر خود از روی خرک چوبی که بر قطعه کوچکی از پوست حیوان تکیه دارد، عبور می کنند. لرزش های سیم به خرک منتقل می شود و در نتیجه پوست به لرزه در می آید. بر روی صفحه ساز، سوراخ های بزرگی به نام گل وجود دارد که در کیفیت صدای قانون نقش زیادی دارند.

www.takbook.com

نمونه ۱: نمای کاملی از ساز قانون

نمونه ۲: نمایی نزدیک از دماغه ساز

نمونه ۳: نمایی از گل ساز

نمونه ۴: گوشی هایی که سیم ها را کوک می کنند

نمونه ۵: نمایی از قرارگیری خرک بر روی پوست

نمونه ۶: نمایی از خرک و سیم هایی که از روی آن عبور می کنند

www.takbook.com

نمونه ۷: نمایی از سیم ها

نوازندگان و شیوه های نوازندگی

تنها سند تصویری نوازندگی در چهارصد سال اخیر، نقاشی های عمارت چهلستون اصفهان است که در عهد صفویه کشیده اند.

پس از آن به مدت ۲۰۰ سال هیچ ردی از حضور این ساز در موسیقی ایران وجود ندارد. تا اینکه در اوایل قرن ۱۴ خورشیدی (قرن بیستم میلادی) فردی به نام رحیم قانونی و بعد فرزندش جلال قانونی شیرازی متولد ۱۲۸۵ خورشیدی، آن را از کشورهای عربی به موسیقی ایران بازگرداندند.

پس از این پدر و پسر، مهدی مفتاح نوازنده نی، ویلون و قره نی، پیرامون قانون به پژوهش پرداخت و آن را به نسل جدید معرفی کرد. در نتیجه نمونه هایی از روی قانون وی در کارگاه سازگری وزارت فرهنگ و هنر آن زمان ساختند و شاگردانی هم تربیت شدند که از میان آنها، دو بانوی نوازنده به نام های سیمین آقا رضی و ملیحه سعیدی مشهورترند.

در واقع ارتباط ساز قانون با نسل حاضر از طریق این دو بانوی هنرمند صورت گرفته است. از نوازندگان نسل جدید قانون می توان به نام پریچهر خواجه اشاره کرد که دوره نوازندگی قانون را نزد سیمین آقارضی و ملیحه سعیدی گذرانده است. ساز قانون در حال حاضر بیشتر توسط بانوان نواخته می شود. لحن قانون نوازی ایرانی در ابتدای ورود مجدد این ساز به خاستگاه

www.takbook.com

خود، به موسیقی عربی نزدیک تر بود. اما در چند سال اخیر با کوشش های ملیحه سعیدی، لحنی کاملاً ایرانی و هم رنگ با سایر سازهای موسیقی دستگاهی از این ساز شنیده می شود. شیوه نواختن این ساز به طور سنتی با دو انگشت اشاره صورت می گیرد.

در سال های اخیر علاوه بر تکنیک دو انگشتی، با ابتکار ملیحه سعیدی شیوه ده انگشتی نوازندگی قانون نیز رونق گرفته است. در این روش امکانات زیادی از ساز در اختیار نوازنده و آهنگساز قرار می گیرد.

قانون امروزه در بین موسیقیدانان سایر ملل طرفدارانی دارد. برای مثال علاوه بر تمام سرزمین های عربی و کشور ترکیه امروزی، در آذربایجان، ارمنستان و برخی کشورهای اروپایی نیز نواخته می شود. نوازندگان اروپایی غالباً شیوه نوازندگی این ساز را از کشورهای عربی اقتباس می کنند و به همین دلیل نمونه اجراهایشان به گوش مردمان خاورمیانه، همواره آشناست.

نمونه ۱: نوازنده قانون در مجلس بزم شاه عباس صفوی

نمونه ۲: رحیم قانونی

نمونه ۳: جلال قانونی

نمونه ۴: سیمین آقارضی، نوازنده قانون

www.takbook.com

نمونه ۶: ملیحه سعیدی، نوازنده قانون

نمونه ۹: پریچهر خواجه، نوازنده قانون

نمونه ۱۰: سحر ابراهیم، نوازنده قانون

نمونه ۱۱: جولیان جلال الدین ویس نوازنده فرانسوی قانون

www.takbook.com

" به پایان آمد این دفتر حکایت همچنان باقی است ... "

با تشکر از تمامی عزیزانی که مرا در تهیه این کتاب یاری نمودند.

www.takbook.com